

آزار به سبک ایرانی

فیلم پریدن از ارتفاع کم از ای صحنه - آزار در وسیله نقلیه

ماهرخ غلامحسین پور

«نشسته بودم صندلی ردیف چهارم یا پنجم. سمت شیشه. درست خاترم نیست. دختر جوانی هم بغل دست من نشسته بود. قرار بود بروم تهران برای ثبت نام دانشگاه و شرایط مالی پدرم جوری نبود که هر بار بتوانم برای رفت و آمدم از هواپیما استفاده کنم. بعد از شام و نماز وقتی اتوبوس از خرم آباد به سمت تهران حرکت کرد، من هم چشمم گرم خواب شد. نمی دانم چقدر خوابیده بودم که لرزش چیزی را روی سینه ام و زیر بغلم حس کردم. چشمم را که باز کردم پنجه مرد پشت سری را دیدم که بین صندلی و شیشه، لغزیده بود زیر سینه ام و داشت مرا لمس می کرد. نفس های تند و شهوانی اش را پشت سرم حس می کردم. خودم را کشیدم کنار و تا تهران به دختر بغل دستی ام چسبیدم. شهامت این را نداشتم که به راننده خبر بدهم چون حتی مطمئن نبودم با گفتن آنچه رخ داده بود خود راننده به فکر آزارم نمی افتاد.» این را شیده وقتی به او زنگ می زدم تا در مورد تجربه احتمالی آزار خیابانی اش بیرسم با صدایی گرفته برایم تعریف می کند.

این ها کابوس های سیاه تلخی هستند سمج و چرب و چسبناک که ماندگار ذهن می شوند و قابل فراموش شدن نیستند.

پازل آزار خیابانی در ایران

محمد کریم آسایش، کارشناس جامعه شناسی، که در این مورد تحقیق و پژوهش هایی هم انجام داده بر این باور است که آزار خیابانی زنان در ایران پازلی است که قطعات سیاست، فرهنگ، جامعه و حتی برنامه ریزی و طراحی شهری آن را شکل می دهند و چهره خاصی از پلشتی اند.

این جامعه شناس می گوید: ترویج خشونت و ایدئولوژی فرودستی زنان، تهدیدهای رسمی، و الویت های امنیتی حاکم بر جامعه که به جای آزارگران خیابانی، به قربانیان به اتهام بدحجابی و بدپوششی حمله می کند، از دلایل افزایش خشونت است. این کارشناس مسایل جامعه شناسی، ادامه می دهد: نگاه فرودستانه فرهنگ به زنان که با ایدئولوژی سیاسی فرودستی زنان تقویت می شود و گاهی اشکال مدرن هم دارد در کنار فرهنگ سکوت، که زنان را و می دارد در برابر آزار خیابانی به دلیل احساس شرم و هراس از مقصر قلمداد شدن، سکوت کنند، در افزایش این شکل از خشونت موثرند.

خشونت روزمره

شنیدن متلک های جنسی هر روزه و تماس بدنی اجباری و ناخواسته برای غالب زنان ایرانی امری عادی و هر روزه است. حتی در موارد بسیاری، خود قربانی هم تلقی خشونت باری از این تعرض ها ندارد و تصور می کند اتفاقی عادی و معمولی رخ داده است. یا دست کم بر این باور است ماجرا ارزش سر و صدا کردن ندارد.

مینا تا مدت ها فکر می کرده این اتفاقی که برایش رخ داده بخشی از زندگی روزمره هر زن ایرانی است. او از واژه شامت شدن و مقصر قلمداد شدن، در مورد ترس هایش با کسی حرف نمی زده است:

ایام عید نوروز بود. من و مادرم به خیابان باغ سپهسالار رفته بودیم برای خرید کفش. غروب و دم برگشتن سوار اتوبوس شدیم. آن روزها اتوبوس ها هنوز هم زنانه و مردانه نشده بود. روی صندلی وسط اتوبوس نشسته بودم و مرد جوانی هم بالای سرم ایستاده بود. مدت کمی که گذشت احساس کردم که پای آن مرد، مدام با پای من تماس پیدا می کند. اولش تصور کردم که به خاطر شلوغی اتوبوس و کمبود جا و حرکت ماشین این اتفاق به طور ناخودآگاه پیش می آید، اما بعد از چند دقیقه متوجه عامدانه بودن جریان شدم. شرمم شد به مادرم چیزی بگویم ولی در عالم نوجوانی اولین فکری که به ذهنم رسید قفل کردن زانوهایم بود و بعد از آن جعبه کفشم را جلوی زانویم گذاشتم تا از این تماس ممانعت کنم اما نه تنها کارش را متوقف نکرد بلکه با سماجت عجیبی سعی می کرد با فشار پا، جعبه کفش را کنار زند و زانوهای مرا لمس کند. ماجرا برایم چندش آور بود و وقتی به مقصد رسیدیم آن مرد من و مادرم را تعقیب می کرد. برمی گشتم و پشت سرم را نگاه می کردم و حتی تا مدتی هر وقت می خواستم بروم مدرسه نگران بودم که آن مرد هنوز هم تعقیب می کند.

اگر لمس شدید، سکوت نکنید!

نازلی ایرانی، کارشناس روانشناسی و مشاور امور خانواده، با این پیش فرض که غالب مزاحمان خیابانی از اختلالات جنسی رنج می برند توصیه می کند: اگر مزاحمت یک آزارگر در حد خشونت کلامی است از کنار آن عبور کنید چون آزارگر شما در پی جلب توجه شماست و

ممکن است در صورت برخورد اعتراضی به شما آزار برساند. اما اگر مزاحم جنسی پایش را فراتر از کلام گذاشته و شما را لمس کرد یا کاری کرد که عزت نفس و احساس امنیت شما به شکل جدی خدشه دار شد، در آن صورت بی تردید با الفاظ قاطع و محکم به او تذکر بدهید و مقابلش بایستید. به خاطرتان باشد که شما نباید خودتان را سرزنش کنید یا احساس گناه را در درونتان پپرورانید. بی تردید شما در پیش آمدن آن موقعیت بی گناه بوده‌اید، پس به کودک درونتان توجه کنید و او را نوازش کنید و بگویید که درک می کنید که حقش نبوده تا مورد تعرض و تعدی قرار بگیرد و دقت کنید که غالب آزارگران جنسی در خیابان یا مراکز عمومی از نوعی اختلالات روانی رنج می‌برند.

دخترم فقط ده سال داشت

گاهی این آزارگران بیمار از تعرض به کودکان نیز ابایی ندارند. فاطمه از تجربه آزار دخترش در مترو می‌گوید: «دو سال پیش با دخترک ده ساله ام توی مترو تهران بودیم می‌رفتیم بازار بزرگ. شلوغ بود و دخترم به وضوح آشفته بود. پیاده که شدیم گفت یک نفر در آن شلوغی از پشت لمسش می‌کرده و من چنان برآشفته بودم که انگار دنیایم خراب شده بود. دخترکم فقط ده سالش بود. بعد از آن سعی کردم اطلاعاتش را بالا ببرم و توجیهش کنم که در برابر برخوردهایی از این قبیل سکوت نکند. تمام تلاشم را کردم تا محافظت کردن از خودش را یاد بگیرد اما او هنوز هم به هیچ قیمتی حاضر نیست سوار مترو بشود.

تمام اتوبان را تا خانه یک نفس دویدم

گاهی می‌شود که آزارگران جنسی خیابانی، شما را در یک محیط بسته یا فضای تنگ و کوچک یک وسیله نقلیه گیر می‌اندازند، عورت‌نمایی و دست‌درازی می‌کنند و شما آن دم احساس می‌کنید دنیایتان به آخرین نقطه نزدیک شده است. تهمینه می‌گوید در چنین وضعیت مشابهی، تهدید کرده که خودش را از ماشین بیرون می‌اندازد و در بهت و وحشت «تمام اتوبان را تا خانه یک نفس دویدم.»

ساعت ۹ شب یکی از روزهای مهرماه سال 1388 بود. به خوبی آن شب به خاطرمانده، محل کارم اسکان بود و تاکسی‌های شهرک همیشه در ایستگاه ونک می‌ایستادند اما آن شب اصلا تاکسی نبود. بیست دقیقه‌ای منتظر ایستادم تا یک ماشین مسافرکش جلویم ایستاد. به خاطر راحتی اش صندلی جلو نشستم. مسیر ماشین که به اتوبان همت افتاد، سعی کردم کمربندم را ببندم اما نمی‌شد. دستش را دراز کرد که کمکم کند اما دستش را مالاند به سینه‌هایم. ترسیدم اما خیال کردم شاید اتفاقی بوده. کمی بعد با یک لحن کرخت و بم شروع کرد به حرف زدن که «بدنت شبیه ورزشکارهاست، سفت به نظر می‌رسی» به در ماشین نگاه کردم قفل نبود.

بعدش گفت «منم سال‌هاست ورزش می‌کنم. می‌خوای بدنم رو ببینی؟» کمربندم را آزاد کردم او هم در این فاصله اندک کمربندش را باز کرده بود و داشت زیپ شلوارش را پایین می‌کشید.

در را باز کردم و شروع کردم به جیغ کشیدن و تهدید کردم که اگر ماشین را نگه نداری خودم را پرت می‌کنم بیرون. وسط اتوبان نگه داشت و من تمام اتوبان را تا خانه یک نفس دویدم.

فاحشه منو می‌زنی! قسمت اول این نوشته را در [خانه امن بخوانید](#).